

شبه‌های چالشی صبا؛ تریبونی آزاد برای اهالی فرهنگ و هنر

چرا موسیقی ملی حامی ندارد؟

کم نیستند هنرمندانی که امروز چه در جایگاه نوازنده، خواننده و آهنگساز از وضعیت موسیقی ایرانی گله‌مندند و به این مسئله اشاره دارند که موسیقی اصیل ایرانی در شرایط کنونی در احتضار به سر می‌برد. هر چند هر کدام از این هنرمندان به فراخور دیدگاه خود، دلایل مختلف را باعث بروز چنین مسئله‌ای می‌دانند اما اغلب هنرمندان متفق‌القول بر این باورند که پررنگ شدن موسیقی پاپ و پروبال دادن به این ژانر در سالهای اخیر از سوی بعضی از تهیه‌کنندگان و کنسرت‌گذاران مهم‌ترین عامل در این زمینه بوده است. آنچه در پی می‌آید دیدگاه بعضی از هنرمندان عرصه موسیقی است که عواملی را در به حاشیه رانده شدن کنسرت‌های موسیقی اصیل ایرانی موثر دانسته‌اند.

آزاده صالحی

گفت و گو

متوجه شدیم و فقط دارد لب می‌زند. باعث تاسف است که بگوییم، مشکلات در حوزه فعلی موسیقی یکی دو تانیست و اگر بخواهیم به ریشه‌یابی هر کدام از این مسائل بپردازیم مثنوی هفتادمن می‌شود. البته به هیچ عنوان قصد بی‌احترامی به هنرمندی را ندارم و هدفم آسیب‌شناسی این موضوعات است. آنچه مسلم است این که موسیقی امروز از معنی تهی شده و نمره کارنامه رفوزه است. سوالی که در ذهن خودم ایجاد می‌شود این است که چرا جز در موارد معدودی، حتی یک بیست هم نداشته‌ایم.

حمیدرضا شبابی:

انزوا مهم‌ترین عامل پسرفت برای یک هنرمند است

حمیدرضا شبابی که سال‌ها مدیر ریت موزه استاد ابوالحسن صبا را بر عهده داشته و خود از سازندگان ساز و نوازندگان سه‌تار است نیز در این زمینه معتقد است: هنرهایی که بر پایه دانش قدیمی بنیان شده‌اند اگر به هر دلیلی ایستا شوند و نتوانند به نسبت رشد هشتاد میلیونی جامعه ما به روز شوند نمی‌توانند به نیازهای جامعه پاسخ مناسبی دهند. موسیقی نباید از حرکت‌های روبه جلوی جامعه عقب بماند و حرف‌های قدیمی بزند. مثل این می‌ماند که کلام محاوره نوجوانان دهه‌های هفتاد و هشتاد با نوع حرف زدن ما که دهه چهل هستیم تفاوت دارد و گاهی حرف آنها را نمی‌فهمیم، در موسیقی هم به این شکل است. به نظرم بیش از آنکه صحبت از غلبه موسیقی پاپ یا سنتی باشد باید به این مسئله پرداخت



هنرمندان امروز به بازخوانی قطعات گذشته پرداخته می‌شود؟! چرا این گروه از هنرمندان آهنگ‌های زمان ما را اجرا می‌کنند و آهنگ‌های زمانه خود را در معرض دید مردم قرار نمی‌دهند؟ به این خاطر که آثار قدیمی مانند «تو ای پری کجایی»، «کاروان»، «مرغ سحر» با این که هشتاد سال از تولیدشان گذشته به قدری به لحاظ درونمایه و فرم منسجم و زیبا بوده‌اند که هم‌چنان از این آثار یاد می‌شود و در گذر زمان رنگ کهنگی به خود نگرفته‌اند. دلیل دیگر فقر تولیدات مطلوب در موسیقی امروز به جدی نگرفتن نقش ترانه‌سرا و شاعر برمی‌گردد. در گذشته، ترانه‌سرایان خوبی چون معینی کرمانشاهی، تورج نگهبان، رهی معیری و... به هنگام ساخت یک قطعه با آهنگساز به تبادل نظر می‌پرداختند. امروز بین شاعر و ترانه‌سرا و آهنگساز فرسنگ‌ها فاصله است. در گذشته اول ترانه سروده می‌شد و بعد آهنگساز بر اساس آن به ساخت اثر می‌پرداخت اما امروز این رویه برعکس شده است. کما این که بارها برای خود من پیش آمده است که خواسته‌اند تا آهنگی بسازم و وقتی پرسیده‌ام خواننده آن چه کسی است گفته‌اند هنوز مشخص نشده است! در حالی که آهنگساز پیش از آن که به ساخت اثر بپردازد باید بدانند منطقه صوتی و ویژگی‌های صدای خواننده مورد نظر در چه حد و حدودی است تا بتوانند به فراخور این فاکتورها اثر مناسبی بسازد. میلاد کیایی در پاسخ به این سوال که فضای مجازی با نگاه موشکافانه، دست بعضی از هنرمندان جوان را به هنگام اجرای آثار پلی‌بک به جای آثار زنده رو می‌کند و شما چنین حرکت‌هایی را چطور ارزیابی می‌کنید نیز اذعان داشت: در ارتباط با سوال شما یادم هست که دو سال پیش در مراسمی که در یکی از هتل‌ها برگزار شده بود دعوت بودیم و خواننده محترمی هم در آن مراسم می‌خواند، اما وقتی در میانه اجرا، دستگاه خراب شد

میلاد کیایی:

رسانه‌ها غفلت و کم‌کاری کرده‌اند

میلاد کیایی، نوازنده پیشکسوت سنتور و آهنگساز است که درباره این که چرا تعداد کنسرت‌های موسیقی اصیل ایرانی در سال‌های اخیر نسبت به موسیقی پاپ ۹۵ درصد به ۵ درصد و گاه کمتر از این هم شده است گفت: گفتنی در این زمینه زیاد



است و نمی‌دانم باید از کجا بگویم. در حال حاضر من در سه چهار دانشکده موسیقی در حال تدریس هستم. وقتی از بعضی دانشجویان سال سوم می‌پرسم که آیا چهره‌هایی مثل مجید وفادار، جواد معروفی و هنرمندانی از این دست را می‌شناسند؟ در جواب می‌گویند: اسم آنها را شنیده‌ایم! شکی نیست که دانشجوی رشته موسیقی قطعاً باید اطلاعاتش در این زمینه با یک فرد عادی تفاوت داشته باشد ولی تنها به شنیدن نام این هنرمندان جاودانه موسیقی ایرانی بسنده کرده‌اند. در حالی که این گروه از هنرمندان نقش زیادی در شکل‌گیری برنامه‌هایی چون «گل‌ها» ایفا کردند و با رکن‌سازی و ساختارها و تنظیم‌هایشان، روح تازه‌ای را به کالبد موسیقی این مرزوبوم دمیدند. هر چه هنرمندان دهه‌های گذشته ساختند جاودانه شده است و اجرای این قطعات به دفعات در کنسرت‌های مختلف گواهِ این ادعاست که هنرمندان قدیمی چقدر در احیاء و نگهداشت این گنجینه ارزشمند یعنی موسیقی سهم به‌سزایی ایفا کردند.

این هنرمند پیشکسوت افزود: مسلماً عدم آشنایی و شناخت نسل جوان با خدمات فراموش‌نشده هنرمندان نسل گذشته یک ایراد فرهنگی فاحش به شمار می‌رود. البته باید به این مسئله اشاره کرد که در این سال‌ها کمتر زمینه‌ای برای معرفی موسیقی اصیل ایرانی فراهم شده است. نمونه این بی‌توجهی، غفلت رسانه‌هایی مثل رادیو است که با وجود آن که می‌توانستند کارآمدتر عمل کنند ولی در معرفی این موسیقی به مردم کم‌کاری کردند و هنوز هم این کم‌کاری ادامه دارد. در حالی که رسانه‌ای مثل رادیو می‌تواند به مثابه یک دانشگاه فرهنگی برای یک جامعه باشد و نقش پررنگی در برقراری پیوند بین مردم و موسیقی اصیل ایرانی داشته باشد. ولی امروز وقتی از رادیو فرهنگ اثری پخش می‌شود، گوینده فقط به ذکر نام خواننده می‌پردازد. در حالی که آهنگساز و تنظیم‌کننده نقش کلیدی در خلق یک اثر دارند. به عنوان مثال، تنظیم‌کننده وظیفه دکوراسیون یک قطعه موسیقی را به عهده دارد و فعالیتش در ساخت یک اثر، مثل تزئین یک منزل خالی است. یا همین‌طور آهنگساز که در زیبایی یک اثر نقشی تعیین‌کننده دارد. اما متأسفانه در اغلب مواقع، وقتی اثری می‌خواهد از رادیو پخش شود، به اعلام نام آهنگساز، نوازنده و تنظیم‌کننده وقتی نهاده نمی‌شود. هر چند خواننده محوری هم در این سال‌ها یکی از معضلات بزرگ در حوزه موسیقی ما شده است. چندان که اشاره کردم، چنین حرکت‌هایی به جای فرهنگ پروری؛ یک نوع خیانت و جنایت فرهنگی است و باعث می‌شود تا زحمات هنرمندانی که در کنار خواننده و در تولید یک اثر نقش داشته‌اند نادیده گرفته شود. این هنرمند پیشکسوت ادامه داد: در چهار دهه گذشته با نبوهی از آثار موسیقی روبه‌رو بوده‌ایم و اگر حمل بر بی‌احترامی نشود، از خیل این آثار، تنها تعداد قابل توجهی از آنها به لحاظ کیفی خوب بوده‌اند. ولی سوال اینجاست چرا هنوز در کنسرت‌های

